

مجله پژوهش در آموزش زبان و ادبیات عرب

دوره چهارم، شماره پنجم، پاییز ۱۴۰۱

## کارکرد دلالتی ضمائر در مراثی حسینی (مطالعه موردی: مراثی شریف رضی و جواهری)

\* عبدالوحید نویدی<sup>۱</sup>محمد حسن نژاد<sup>۲</sup>

### چکیده

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های هنری و ابداعی گفتمان رثائیات حسینی شریف رضی و جواهری در لایه نحوی، بسامد بالای ضمائر است. هرچند تنوع ضمائر نسبت به سایر انواع کلمه از قبیل اسم، فعل، صفت و قید کمتر به چشم می‌خورد؛ اما برخورد شریف رضی و جواهری با آن‌ها می‌تواند محملی برای ایجاد خلاقیت و مقاصد شاعرانه باشد. نگارندگان در مقاله پیش‌رو با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از داده‌های آماری، به بررسی کارکردهای دلالتی و معنایی ضمائر در رثائیات حسینی دو شاعر پرداخته است. برخی از مهم‌ترین نتایج مقاله حاکی از آن است که هر دو شاعر به‌ویژه جواهری از این مقوله زبانی بهره‌ خلاقانه و شاعرانه برده و به بهترین شکل ممکن معانی موردنظر خود را به خوانندگان منتقل کرده‌اند. جواهری از ضمیر به‌عنوان یکی از عوامل مهم انسجام متنی، تأکید معنایی و ایجاد تعلیق، بهره برده است. شریف رضی نیز با استعمال فراوان ضمیر جمع متکلم به‌نوعی خود را در زمره اهل بیت و بنی‌هاشم قرار داده است.

واژگان کلیدی: ضمائر، کارکرد معنایی، رثا، شریف رضی، جواهری

<sup>۱</sup> استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. a.v.navidi@scu.ac.ir

<sup>۲</sup> دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید چمران اهواز، مدرس دانشگاه فرهنگیان،

mohammadhasannezhad@gmail.com

تاریخ ارسال ۱۴۰۰/۰۶/۱۲ تاریخ پذیرش ۱۴۰۱/۰۸/۱۰

گاهی اوقات در متن با عناصری برخورد می‌کنیم که تحت تأثیر عناصر دیگری هستند. از جمله این عناصر، ضمائر هستند. در تعریف ضمیر چنین آمده است: «واژه‌ای که جانشین اسم می‌شود و با آوردن آن، دیگر خود اسم آورده نمی‌شود» (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۸۹: ۸). نکته قابل تأمل در تعریف مذکور این است که برخی ضمائر مانند «من، ما، تو، شما» ممکن است هیچ‌گاه در متن، مرجع ضمیرشان ذکر نشود و به بیان دیگر جانشین اسم نباشد؛ از همین روی برخی، مرجع ضمیر را به دو دسته حضوری و ذکری تقسیم می‌کنند و ضمائر مذکور را جانشین مرجع حضوری می‌دانند. (وحیدیان کامیار و عمرانی، ۱۳۸۷: ۱۰۲) ضمائر به وسیله مرجع‌های خود تفسیر می‌شوند. مرجع ضمیر ممکن است در متن وجود داشته باشد یا نداشته باشد.

از ویژگی‌های مهم زبان عربی میل شدید آن به ایجاز، اختصار و وضوح در معنی است. این خاصیت را در کاربرد ضمائر به خوبی می‌توان فهمید؛ زیرا با الفاظ کم، معانی زیادی را در نظر دارد. در زبان‌شناسی جدید به این امر، «قانون کمترین تلاش» گفته می‌شود که منظور از آن رسیدن به هدف گوینده با کمترین تلاش ممکن است. ضمیر «اسم ناقصی است که برای تفسیر معنی خود به اسم تامی نیاز دارد، بنابراین به اسمی که قبل از خود است و در ویژگی‌های لفظی و معنوی با هم مطابقت دارند برمی‌گردد». (بختیار نصرآبادی، ۱۳۹۷: ۶۵) پس کاربرد ضمیر به «انبار اطلاعاتی مخاطب بستگی دارد، به این معنی که هر چه گوینده از انبار اطلاعاتی مخاطب بیشتر یقین و اطمینان داشته باشد، از ضمیر بیشتر استفاده می‌کند؛ زیرا می‌داند که متکلم در فهم متن با مشکل برخورد نمی‌کند». (محمد الغریسی، ۲۰۱۴ م: ۱۲۶) ارجاع، بدیهی‌ترین عنصر انسجام در متن است و شاید در نگاه اول نتوان به کارکردهای معنایی، هنری و بلاغی آن پی برد اما با تأمل و دقت بیشتر در متن می‌توان از این کارکردهای مهم پرده برداشت. شاید علت آن این باشد که ضمیر در هر متنی، هر چند ضعیف، وجود دارد.

بدون شک، اگر ارجاع به موقع و در جای مناسب خود قرار نگیرد، باعث تشویش کلام می‌شود؛ زیرا ضمیرها چون حلقه‌هایی هستند که جملات را به هم وصل می‌کنند. گاهی اوقات هم ارجاع، کارکردی هنری و زیباشناسی خاصی دارد همان‌طور که در رثائیات حسینی شریف رضی و جواهری آمده است. به عنوان مثال نام «حسین» علاوه بر اینکه مستقیماً در برخی از ابیات شعری آمده است، در تعداد دیگری از ابیات به جای آن از ضمیر استفاده شده است. در واقع هر دو شاعر از این طریق به نوعی می‌خواهند به خواننده بفهمانند که شخصیت اصلی و مؤثر در قصیده را فراموش نکند و او را خوب بشناسد؛ بنابراین کاربرد ضمیر یک استراتژی است که در ذهن گوینده و نویسنده وجود دارد. کاربر زبان گاهی یک یا چند اسم را در یک ضمیر خلاصه می‌کند و گاهی یک جمله یا متن را با یک ضمیر جایگزین می‌نماید و گفته خود را به صورت موجز بیان می‌کند؛ زیرا گوینده همواره در تلاش است تا پیام خود را با کمترین تلاش ممکن، به مخاطب انتقال دهد. بر این اساس، هیچ متنی را نمی‌یابیم که از کاربرد ضمیر خالی باشد و کاربر زبان هیچ‌گاه از این ابزار انسجامی بی‌نیاز نیست.

## ۱- سؤالات پژوهش

۱- ضمائر غائب، مخاطب و متکلم در رثائیات شریف رضی چه کارکرد معنایی دارند؟ ۲- ضمائر غائب، مخاطب و متکلم در رثائیات جواهری چه کارکرد معنایی دارند؟ ۳- تفاوت‌های معنایی کاربرد ضمائر در رثائیات این دو کدامند؟

## ۲- فرضیه‌ها

۱- شریف رضی با بهره‌گیری اندک از ضمائر مخاطب و استفاده فراوان از ضمائر متکلم و غایبی که به مرجع آن‌ها امام حسین است، حضور امام حسین را کم‌رنگ و صدای خود را بر متن شعری چیره کرده است. ۲- بهره جواهری از ضمائر غائب اندک بوده است. در مقابل وی از ضمائر مخاطب و با اختلاف اندکی از ضمائر مخاطب از ضمائر متکلم بهره برده است. ۳- استعمال ضمائر غایب و متکلم در رثائیات حسینی شریف رضی بیشتر از رثائیات حسینی جواهری است. در مقابل بهره جواهری از ضمائر مخاطب به مراتب بیشتر از شریف رضی است. نسبت استفاده از ضمائر غائب و متکلم در رثائیات شریف رضی و در مقابل نسبت استفاده از ضمائر مخاطب و متکلم در رثائیات جواهری بسیار به هم نزدیک است.

## ۳- پیشینه پژوهش

از مهم‌ترین پژوهش‌هایی که مشخصاً پیرامون رثائیات حسینی شریف رضی و جواهری صورت گرفته است، می‌توان به این موارد اشاره نمود: ۱- رساله «حماسه‌ی حسینی در شعر معاصر عراق و ایران (محمد مهدی جواهری، جواد جمیل؛ محمد حسین شهریار، سید حسن حسینی)» از اصغر شهبازی. پژوهش حاضر تلاش دارد با نگاه تطبیقی به شعر عاشورایی محمد مهدی جواهری، جواد جمیل از ادبیات عربی و محمد حسین شهریار و سید حسن حسینی از ادبیات فارسی، بازتاب حماسه‌ی عاشورا را در شعر آن‌ها شناخته و به تفاوت‌ها و اشتراکات موجود میان آن‌ها دست یابد. ۲- رساله «بررسی سبک‌شناسانه قصیده؛ "کربلا لا زلت کرباً و بلا" ی شریف رضی و "آمنت بالْحُسَین" محمد مهدی جواهری در رثای امام حسین (ع)» از محمد لطیفی بررسی. این پژوهش ضمن بررسی زندگی این دو شاعر و ارائه مطالبی پیرامون سبک و سبک‌شناسی به شیوه توصیفی - تحلیلی به بررسی و تحلیل سبک‌شناسانه این دو قصیده در لایه‌های آوایی، دلالتی و نحوی سطح زبانی می‌پردازد ۳- مقاله «شعر جواهری از منظر تحلیل ساختاری» (بررسی موردی دو قصیده دینی شاعر) از نرگس انصاری و طیبه سیفی. نویسندگان در مقاله مذکور به شیوه تحلیل ساختاری به بررسی سطوح آوایی، واژگانی و نحوی قصاید دینی جواهری پرداخته‌اند. ۴- مقاله «الموسیقی الخارجیة لعینیة محمد مهدی الجواهری فی رثاء الحسین (ع)» از ابوالحسن امین مقدسی، عدنان طهماسبی و عبدالوحد نویدی. نویسندگان در مقاله مذکور فقط موسیقی بیرونی عینیة جواهری را در چهار محور وزن، قافیه، تدویر و تضمین مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند. ۵- مقاله «البنیة الإیقاعیة ودلالاتها فی دالیة الشریف الرضی فی رثاء الحسین (ع)» از ابوالحسن امین مقدسی و عبدالوحد نویدی. نگارندگان در این مقاله موسیقی بیرونی و دورنی دالیة شریف رضی را ارزیابی، نقد و تحلیل نموده‌اند. ۶- شخصیت نمادین امام حسین (ع) در شعر شریف رضی از صابره سیاوشی و گلغام واعظی. در این مقاله به زندگینامه شریف رضی، اغراض شعری وی و نمادهای فردی و اجتماعی امام حسین در مرثیة شریف رضی پرداخته شده است. ۷- الرثاء فی شعر الشریف الرضی از محمد ابراهیم خلیفه شوشتری و محمد حسن امرائی. نویسندگان در این مقاله به موضوعات زیر پرداخته‌اند: ۱- زندگی و

ادب شریف رضی ۲- معنای لغوی و اصطلاحی رثا ۳- بررسی موضوعات و مضامین موجود در اشعار رثایی شریف رضی. بر این اساس، در هیچ پژوهش، کارکردهای ضمائر در رثائیات حسینی شریف رضی و جواهری مورد پردازش قرار نگرفته است و مقاله پیشرو از این حیث جدید به شمار می آید.

#### ۴- کارکرد معنایی ضمائر در رثائیات حسینی شریف رضی و جواهری

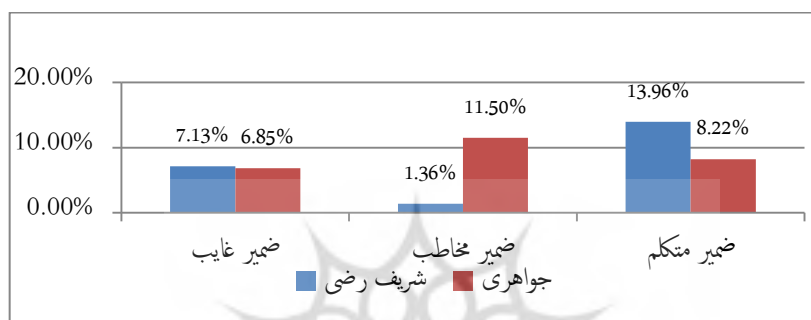
واقعیت این است که کارکردهای آوایی اثر ادبی غالباً از سطح افراد که مبتنی بر گزینش حرف یا لفظ است، فراتر نمی رود و در نتیجه، بسیاری از جنبه‌های موسیقایی، جمال‌شناسیک و معنایی اثر ادبی پوشیده می ماند. مهم تر از سطح آوایی، سطح نحوی یا ترکیبی اثر ادبی است که بسیاری از زیبایی‌های متن ادبی در آن نهفته است. «ساختار ترکیبی در تحلیل گفتمان شعری از مهم ترین ساختارهای شعری به شمار می رود» (مخاطریه، ۲۰۱۴: ۳۵) جاحظ در این باره می گوید: «معانی در دسترس همه قرار دارند و عجمی، عربی، بدوی و شهرنشین همه و همه آن‌ها را می شناسند، آنچه در اینجا حائز اهمیت است استواری وزن، گزینش الفاظ، سهولت مخرج، سلامتی طبع و نیکویی سبک و شکل است. شعر صنعت، نوعی بافتن و گونه‌ای از تصویر است» (الحاجظ، ۱۹۳۸: ۱۳۱/۳) این سخن به خوبی ارزش و اهمیت ترکیبات زبانی را نشان می دهد. در واقع، نبوغ هنری و ابداعی یک شاعر در رسیدن به ترکیبات مناسب نهفته است که وی را برای تولید معانی و دلالت‌های مورد نظرش یاری می رساند. شاعر با استفاده از ترکیبات متناسب می تواند به جنبه‌هایی از جمال و زیبایی ادبی دست یابد که خواننده تیزبین یا ناقد متخصص می تواند آن‌ها را کاملاً حس کند و با تمام وجود بپسندد. البته نباید فراموش کرد که فرایند ترکیب و تألیف، از خلال زبان صورت می پذیرد. این فرایند در برخی از زبان‌ها مثل فرانسوی با محدودیت مواجه است و در برخی دیگر مثل آلمانی با محدودیتی روبه‌رو نیست. زبان عربی در این میان، حالتی بینابین دارد.

یکی از مهم ترین عواملی که در سطح نحوی می تواند مشخصه سبک ساز رثائیات حسینی شریف رضی و جواهری به شمار رود، بسامد بالای ضمائر است. ضمائر موجود در رثائیات حسینی هر دو شاعر، برای پیوند زدن جمله‌ها و ابیات شعری با یکدیگر، از جمله عناصر مهم و ارزشمند رثائیات مذکور به شمار می آیند. «بسامد بالای ضمائر در یک متن، آن را بسیار لطیف، سبک و روان می سازد» (عبابو، ۲۰۰۸: ۱۱۰) نحوه توزیع استفاده از ضمائر به شرح زیر است:

#### جدول شماره (۱) نحوه توزیع استفاده از ضمائر

جواهری		رضی		---
تعداد	درصد	تعداد	درصد	---
۲۹۰	٪۷۹,۴۵	۴۴۷	٪۷۱,۰۷	ضمیر غائب
۴۵	٪۱۲,۳۳	۵۹	٪۹,۳۸	ضمیر مخاطب
۳۰	٪۸,۲۲	۱۲۳	٪۱۹,۵۵	ضمیر متکلم
۳۶۵	٪۱۰۰	۶۵۹		

مطابق جدول شماره (۱) همان‌طور که ملاحظه می‌شود ضمیر غائب بسامد بسیار بالایی را به خود اختصاص داده است. بعدازآن، ضمیر متکلم در رثائیات شریف رضی و ضمیر مخاطب در رثائیات جواهری در جایگاه دوم قرار دارد. ضمیر متکلم در رثائیات جواهری و ضمیر مخاطب در رثائیات شریف رضی نیز در مرتبه سوم آمده است. در توجیه بسامد بالای ضمیر غائب می‌توان گفت بیشتر مسائل و حوادث حول محور امام حسین (ع)، واقعه کربلا و دشمنان وی دور می‌زند و هر دو شاعر در رثائیات خود، وقایع و حوادث پیش‌آمده درباره امام حسین (ع) را - چه در سرزمین کربلا و چه بعدازآن- بیان می‌کنند، بنابراین طبیعی است که استعمال ضمیر غائب در آن‌ها بیشتر باشد. نسبت استفاده از ضمیر غائب و مخاطبی که به امام حسین (ع) برمی‌گردد و نسبت استفاده از ضمیر متکلمی که مرجع آن خود شاعر است در نمودار زیر مشخص شده است:



نمودار (۱) نسبت ارجاع ضمایر به امام حسین (ع) و خود شاعر

مطابق با نمودار شماره (۱)، نسبت ضمیر غایبی که مرجع آن امام حسین (ع) است، در رثائیات رضی و جواهری به ترتیب با ۷،۱۳٪ و ۶،۸۵٪ است؛ نسبتی که اختلاف آن نمی‌تواند معنادار باشد. نسبت ضمیر مخاطب نیز در رثائیات جواهری و رضی به ترتیب به ۱۱،۵۰٪ و ۱،۳۶٪ می‌رسد؛ امری که نشان از حضور پررنگ امام حسین در رثائیات حسینی جواهری آن‌هم از خلال ضمیر مخاطب دارد. نسبت ضمایر متکلمی که مرجع آن‌ها خود شاعر است، در رثائیات رضی ۱۳،۹۶٪ و جواهری ۸،۲۲٪ است. این نسبت می‌تواند معنادار باشد. این امر می‌تواند حاکی از آن باشد که جواهری کاملاً تسلیم عظمت و بزرگی امام حسین (ع) است. به طوری که نسبت استفاده از ضمایر مخاطب در رثائیات وی تقریباً ۴٪ بیشتر از ضمایر متکلم است. درحالی‌که عکس این امر در رثائیات سید رضی صدق می‌کند. نسبت استفاده از ضمایر متکلم در رثائیات شریف رضی تقریباً ۱۱٪ می‌رسد. امری که حضور شریف رضی را در رثائیات خود، پررنگ‌تر از حضور امام حسین کرده و درواقع بر توجه و نگرش شاعر به خویشتن دلالت دارد. با این توضیح که شخصیت شریف رضی از خلال ضمایر متکلم در متن شعر حضور یافته و همین موضوع، میزان اهمیت و حضور متکلم و برجستگی آن را در متن شعر نشان می‌دهد گویا «من» شاعر کانون متن شعر رثا قرار گرفته است.

#### ۴-۱- بررسی ضمایر در مراثی شریف رضی

با بررسی ضمایر غائب و مخاطب در رثائیات شریف رضی مشخص می‌شود که بسامد بالای ضمیر غائب در قیاس با ضمیر مخاطب، حضور مستقیم امام حسین را - در حوزه ضمایر - در رثائیات وی بسیار کم‌رنگ کرده است؛ زیرا نسبت

ضمیر غایب در رثائیات رضی ۷,۱۴٪ و ضمیر مخاطب ۱,۳۶٪ است. به ابیات زیر از رضی بنگرید که با استفاده از ضمیر غایب به توصیف تشنگی، نحوه کشته شدن، عریان بودن، غسل و کفن کردن امام حسین (ع) می‌پردازد:

و ظام یربغ الماء قد حیل دونه  
 أتأحواله مراً الموارِدِ بالقنا  
 سقوه ذبابات الرقاق البوارِدِ  
 علی ما أباحوا من عذاب الموارِدِ

(الرضی، ۱۹۹۹: ۱/ ۴۱۱)

وَ خَرَّ لِلْمَوْتِ لَا كَفَّ تُقْلِبُهُ  
 ظَمَانٌ سَأَلَى نَجِيعُ الطَّعْنِ غُلَّتُهُ  
 تَحْنُو عَلَيْهِ الرَّبِّي ظَلَّأً وَ تَسْتَرُهُ  
 تَهَابَهُ اللُّوْحُشِ أَنْ تَدْنُوا لِمَصْرَعِهِ  
 إِلَّا بِوَطْءٍ مِنَ الْجُرْدِ الْمَحَاضِرِ  
 عَنْ بَارِدٍ مَنْ عُبَابِ الْمَاءِ مَقْرُورِ  
 عَنِ النَّوَظِرِ أذْيَالِ الْأَعَاصِرِ  
 وَقَدْ أَقَامَ ثَلَاثًا غَيْرَ مَقْبُورِ

(همان: ۱/ ۵۱۶ و ۵۱۷)

قَبَلْتُهُ الرِّمَاحُ وَ انْتَضَلَتْ فِي  
 هِ الْمَنَايَا وَ عَانَقْتُهُ النُّصُولُ

(همان: ۲/ ۱۶۴)

قَتَلُوهُ بَعْدَ عِلْمٍ مِنْهُمْ  
 غَسَلُوهُ بِدَمِ الطَّعْنِ وَ مَاءِ  
 أَنَّهُ خَامِسُ أَصْحَابِ الْكِسَا  
 كَفُّوهُ غَيْرَ بَوَّغَاءِ الثَّرَى (۱)

(همان: ۱/ ۹۵)

وی در جای دیگری با کمک گرفتن از غایب به توصیف جنایات بنی‌امیه در حق اهل بیت پرداخته و چنین می‌سراید:

مَارَاقِبْتَ غَضَبَ النَّبِيِّ وَ قَدْ غَدَا  
 بَاعَتْ بَصَائِرَ دِينِهَا بِضَلَالِهَا  
 جَعَلَتْ رَسُولَ اللَّهِ مِنْ خُصَمَائِهَا  
 نَسَلُ النَّبِيِّ عَلَى صِعَابِ مَطِيَّهَا  
 زَرَعَ النَّبِيَّ مَطْنَةً لِحِصَادِهَا  
 وَ شَرَّتْ مَعَاظِبَ عَيْهَا بِرِشَادِهَا  
 فَلَبِئْسَ مَا ذَخَرَتْ لِيَوْمٍ مَعَادِهَا  
 وَ دَمُ النَّبِيِّ عَلَى رُؤُوسِ صِعَادِهَا (۲)

(همان: ۱/ ۴۰۸)

تکرار بالای ضمیر غائب (۱۴ بار) خواه به صورت بارز خواه به صورت مستتر، هر چند باعث نوعی اطناب شده، اما از نظر معنایی، اعمال زشت و وحشیانه بنی‌امیه در حق اهل بیت پیامبر (ص) را در اذهان تثبیت و تحکیم می‌کند. از نظر موسیقایی نیز، توالی هجای «ها» در ابیات فوق، القا کننده نوعی آهنگ غمین و دردناک است و به خوبی درد و رنج و خشم و غضب شاعر را برای خواننده تداعی کند. نسبت استفاده از ضمیر متکلم در رثائیات رضی به ۱۳,۹۶٪ می‌رسد که بیشتر برای گریه و اندوه بکار گرفته شده است:

وَلَقَدْ حَبَسْتُ عَلَى الدِّيَارِ عَصَابَةً      مَضْمُومَةً الْأَيْدِي إِلَيَّ أَكْبَادَهَا

(الرضی، ۱۹۹۹: ۱/۴۰۷)

هِيَ الدَّارُ لَا شَوْقِي الْقَدِيمُ بِنَاقِصٍ      إِلَيْهَا وَلَا دَمْعِي عَلَيْهَا بِجَامِدٍ  
تَأَوَّبَنِي دَاءٌ مِنْ الْهَمِّ لَمْ يَزَلْ      بِقَلْبِي حَتَّى عَادَتْنِي مِنْهُ عَائِدِي

(همان: ۱/۴۱۱)

وَرُبَّ قَائِلَةٍ وَالْهَمُّ يُتَجَمُّنِي      بِنَاطِرٍ مِنْ نَطَافِ الدَّمْعِ مَمْطُورٍ  
فَقُلْتُ هَيْهَاتَ فَاتَ السَّمْعُ لِأَيْمِهِ      لَا يُفْهَمُ الْحُزْنَ إِلَّا يَوْمَ عَاشُورٍ

(همان: ۱/۵۱۶)

أُتْرَانِي أُعِيرُ وَجْهِي صَوْنًا      وَعَلَى وَجْهِهِ تَجُولُ الْخِيُولُ  
أُتْرَانِي الْأَذْمَاءُ وَلَمَّا      يَرَوْنَ مِنْ مُهْجَةِ الْإِمَامِ الْعَلِيلُ  
يَا غَرِيبَ الدِّيَارِ صَبْرِي غَرِيبٌ      وَقَتِيلَ ذِالْأَعْدَاءِ نَوْمِي قَتِيلُ  
بِي نِزَاعٍ يَطْغَى إِلَيْكَ وَشَوْقٌ      وَعَ غَرَامٌ وَزَفْرَةٌ وَعَوِيلُ  
لَيْتَ أَنِّي ضَجَّعُ قَبْرِكَ أَوْ أَنْ      نَ ثَرَاهُ بِمَدْمَعِي مَطْلُولُ (۳)

(همان: ۲/۱۶۴ و ۱۶۵)

نکته قابل‌توجه در رثائیات رضی استفاده از ضمیر متکلم به صورت جمع است. در ابیات زیر از شریف رضی استفاده از ضمیر «ما» نشان می‌دهد که شاعر خود یکی از قربانیان است. فضایی که شریف رضی در رثائیات خود با استفاده از ضمیر «ما» ترسیم کرده، در قیاس با جواهری تا حدودی بارزتر و عام‌تر است:

شَغَلَ الدَّمُوعَ عَنِ الدِّيَارِ بُكَاءُنَا      لِإِكْبَاءِ فَاطِمَةَ عَلَيَّ أَوْلَادِهَا

(همان: ۱/۴۰۸)

تَذَكَّرْتُ يَوْمَ السَّبْطِ مِنْ آلِ هَاشِمٍ      وَمَا يَوْمُنَا مِنْ أَلِ حَرْبٍ بِوَاحِدٍ  
رَمُونَا كَمَا يُرْمَى الظَّمَاءُ عَنِ الرِّوَا      يذودوننا عن ارث جد ووالد  
أَضَاعُوا نُفُوسًا بِالرَّمَاكِ ضَيَاعُهَا      يعز علي الباغين منا النواشد  
لَكِنَّ رَقْدَ النَّصَارِ عَمَّا أَصَابَنَا      فَمَا اللَّهُ عَمَّا نَيْلَ مِنَّا بِرَاقِدٍ  
وَيَا رَبُّ أَدْنَى مِنْ أُمِّيَّةٍ لِحَمَّةٍ      رَمُونَا عَلَي الشَّنَانِ رَمَى الْجَلَامِدِ  
طَبَعْنَا لَهُمْ سَيْفًا فَكُنَّا لِحَدِّهِ      ضَرَائِبَ عَنِ أَيْمَانِهِمُ وَالسَّوَاعِدِ

(همان: ۱/۴۱۱)

إِنْ يَظْفِرِ الْمَوْتَ مِنْ بَابِنِ مُنْجِبَةٍ      فَطَالَ مَا عَادَ رِيَّانَ الْأَطْلَافِ (۴)

(همان: ۵۱۷/۱)

تکرار فراوان ضمیر جمع متکلم چه به صورت بارز و چه مستتر، در متن فوق، قابل توجه است. رضی خود را از خانواده اهل بیت می‌داند و از زبان جمع و گروه سخن می‌گوید و اشاره صریح به قوم ما و جماعت ما دارد. شعر وی در اینجا، دغدغه جمعی دارد. اینجا دیگر فردیت معنا ندارد، خود فردی از بین می‌رود و آرمان‌های جمعی بر فردیت غلبه پیدا می‌کند؛ و بنا به تعبیر فرکلاف «ما در معنای جامع، بیان این مطلب است که همگی (مخاطب و شاعر) در وضعیتی مشابه قرار دارند» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۳۶۸) توجه هر چه بیشتر رضی به حماسه‌های دلاوران دشت کربلا و گره خوردن عاطفه فردی با عاطفه جمعی به رشد هر چه بیشتر «من» اجتماعی شاعر انجامیده است؛ بنابراین با توجه اینکه استفاده از ضمیر متکلم، غایب و مخاطب در رثائیات شریف رضی به ترتیب در جایگاه اول، دوم و سوم قرار دارد و نیز اختلاف میان ضمیر متکلم و مخاطب در رثائیات سید رضی به بیش از ۱۱٪ می‌رسد، می‌توان گفت در رثائیات شریف رضی، صدای شاعر بر ظاهر متن مسلط است و بیشتر صدای شاعر به گوش می‌رسد.

بسامد بیشتر ضمائر غایب در مقایسه با ضمائر مخاطب در رثائیات رضی حاکی از آن است که این شخصیت تاریخی «در سطح مادی از نظرها پنهان است و فقط در سطح واژگانی و زبانی پدیدار می‌شود؛ این موضوع در متونی رواج دارد که غرض رثا را به عنوان چارچوبی برای بیان تجربه شخصی خود در نظر می‌گیرند» (عبدالرحمن، ۲۰۰۴: ۱۶۱) شریف رضی در رثائیات حسینی خود، بیشتر به حوادث تاریخی مختص به امام حسین (ع) در سرزمین کربلا اشاره کرده است: چگونگی کشته شدن امام حسین (ع) و یاران وی، شجاعت و دلیری امام، شهامت و پایمردی یاران امام در دفاع از وی، ستمی که بر اهل بیت، یاران و زنان ایشان رفته است، تاختن اسب بر پیکر امام و یاران وی بعد از شهادت، کثرت ضربات نیزه‌ها و شمشیرها و نشستن تیرها بر اجسادشان، گریه و زاری زنان بعد از شهادت و... شاعر این موضوعات را گاه با تفصیل و گاه با اجمال حکایت می‌کند و در این میان بیشتر به استفاده از ضمیر غایب روی می‌آورد؛ موضوعاتی که در رثائیات حسینی جواهری به چشم نمی‌خورد.

#### ۴-۲- بررسی ضمائر در مراثی جواهری

مطابق با نمودار (۱) درصد استفاده از ضمیر غائب در رثائیات جواهری نسبت به سید رضی کمتر و درصد استفاده از ضمیر مخاطب بسیار بیشتر است. با توجه به بسامد پایین ضمائر غایب و بسامد بسیار بالای ضمائر مخاطب می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که حضور امام حسین (ع) در رثائیات جواهری به‌ویژه قصیده «عینیة» معروف وی، چشمگیرتر و برجسته‌تر از شریف رضی است. از سوی دیگر، اختلاف اندک میان ضمیر مخاطب و ضمیر متکلم که حدوداً به ۳٪ می‌رسد، نشان‌دهنده تمایل و گرایش شدید جواهری به امام حسین (ع) است به طوری که گویی قصد متحدشدن با وی را دارد.

گفتگوی دو جریان «من و تو» در قصیده عینیة، موجبات گره خوردگی این دو را فراهم آورده و تا مرز همانندی پیش برده است. در تحلیل گفتمان، کاربرد ضمائر مخاطب در اشعار، حس بیگانگی با دیگران را القا می‌کند، اما به نظر



می‌رسد که جواهری ضمیر مخاطب و متکلم (تو و من) را درهم آمیخته و به نوعی، تمایل خود را برای متحد کردن این دو (من و تو) نشان داده است. اختلاف اندک میان ضمائر مخاطب و متکلم، نقش بسیار مهمی در ساختار شعر جواهری ایفا کرده است. استفاده از ضمیر غایب و متکلم در رثائیات جواهری برخلاف رثائیات رضی هرگز برای توصیف گریه و اندوه یا حسرت و افسوس بکار نرفته است. هر چه هست عظمت و بزرگی امام حسین (ع) است و بس:

وَجَدْتُكَ فِي صُورَةٍ لَمْ أُرْعَ      بِأَعْظَمَ مِنْهَا وَلَا أُرْوَعِ (۵)

(الجواهری، ۱۹۸۲: ۲/۲۶۸)

واقعیت این است که رثائیات جواهری تشخیص و تمایز خود را از رثائیات شریف رضی حفظ کرده است و به اصطلاح امضای جواهری پای رثائیات وی یافت می‌شود. یکی از مهم‌ترین عواملی که باعث این تشخیص شده، اندیشه و نحوه پردازش موضوع توسط اوست. جواهری در ابیات آغازین عینیة معروف خود از ۱۱ ضمیر مخاطب و دو منادا در مقابل سه ضمیر متکلم استفاده کرده است. به نظر می‌رسد در ابتدای این قصیده، «شخصیت و من» شاعر در برابر شخصیت و عظمت امام حسین (ع) رنگ می‌بازد و شاعر کاملاً تحت تأثیر فضای حاکم بر حرم امام (ع) قرار می‌گیرد و خود را در چنین فضایی کاملاً گم می‌کند؛ اما از بیت دهم به بعد، شاعر به خود می‌آید و به نوعی، خود را پیدا می‌کند البته نه به خاطر اینکه بخواهد در برابر امام عرض اندام کند بلکه برای تواضع و فروتنی و یا برای متحدشدن با وی:

فِدَاءٌ لِمَثْوَاكَ مِنْ مَضْجَعٍ      تَنَوَّرَ بِالْأَبْلَجِ الْأُرْوَعِ  
بِأَعْبَقَ مِنْ نَفْحَاتِ الْجِنَا      نَ رُوحًا وَ مِنْ مِسْكِهَا أَضْوَعِ  
وَرَعِيًّا لِيَوْمِكَ يَوْمِ الطُّفُوفِ      وَسَقِيًّا لِأَرْضِكَ مِنْ مَصْرَعِ  
وَحُزْنًا عَلَيْكَ بِحَبْسِ النُّفُوسِ      عَلَى نَهْجِكَ النَّيْرِ الْمَهِيَعِ  
وَصَوْنًا لِمَجْدِكَ مِنْ أَنْ يُدَالَ      بِمَا أَنْتَ تَأْبَاهُ مِنْ مُبْدَعِ  
فِيهَا أُيُّهَا الْوَتْرُ فِي الْخَالِدِيَّ      نَ فَئِدًا، إِلَيَّ الْآنَ لَمْ يُشْفَعِ  
وَيَا عِظَّةَ الطَّامِحِينَ الْعِظَامِ      لِلْأَهْلِينَ عَنِ عَدْلِهِمْ قُنْعِ  
تَعَالَيْتَ مِنْ مُفْزَعٍ لِلْحُتُوفِ      وَبُورِكَ قَبْرِكَ مِنْ مَفْزَعِ  
تَلَوْدُ الدُّهُورِ فَمِنْ سُجْدٍ      عَلَى جَانِبِهِ وَ مِنْ رُكْعِ  
شَمَمْتُ ثَرَكَ فَهَبِ النَّسِيمِ      نَسِيمِ الْكَرَامَةِ مِنْ بَلْقَعِ (۶)

(همان: ۲/۲۶۶)

مطلع قصیده که با فراخوانی یاد امام حسین (ضمیر کاف به امام حسین برمی‌گردد)، شروع شده، نمونه خروج شاعر از قاعده مطلع‌های سنتی است. خطاب قرار دادن شخصیت امام حسین در ابیات فوق از جواهری، نشان از محبت شاعر نسبت به شخصیت امام و به دنبال آن یادآوری شخصیت نزد شاعر دارد. استفاده از اسالیب دعایی در ابیات آغازین «فداء - رعیا - سقییا - حزنا - صونا» نیز در راستا عشق و محبت شاعر بکار رفته‌اند. تا بیت سوم، شخصیت امام حسین (ع) در چارچوب تاریخی و سنتی خود باقی مانده است؛ اما در ابیات چهارم، پنجم و ششم، شاعر با اشاره به نقش امام حسین

(ع) و اهمیت حرکت در مسیر او، شخصیت وی را به تدریج آماده پذیرش معانی و دلالت‌های معاصر می‌کند. تا اینکه در بیت هفتم کاملاً معانی و دلالت‌های معاصر را بر شخصیت امام حسین بار می‌کند:

وَيَا عِظَةَ الطَّامِحِينَ الْعِظَامِ      لَلَاهِينَ عَنِ غَدِهِمْ قُنْعِ

(همان: ۲/ ۲۶۶)

جواهری از این طریق، گستره عشق و محبت خود را نسبت به امام به خوانندگان نشان داده است. بسامد بالای ضمیر کاف در متن فوق، بیانگر التذاذ شاعر از ذکر ممدوح و کسب برکت از نام وی است. علاوه بر این، می‌تواند از نظر معنایی، نام و یاد امام را در اذهان، تعمیق، تثبیت و تحکیم بخشد. نکته قابل ذکر در بیت سوم، اضافه شدن یوم و ارض به ضمیر کاف است. گویی شاعر تمام زمان و مکان را به امام نسبت داده است. بیت مذکور یادآور این جمله معروف است: «کل یوم عاشور و کل ارض کربلا». با خوانش عینۀ جواهری، می‌توان میزان و وسعت عشق جواهری را به امام حسین (ع) دریافت. جواهری با به کارگیری تکنیکِ خطاب قرار دادن امام حسین (ضمایر کاف - ت - انت بارز و مستتر - منادا)، از ارزش‌هایی نظیر عطا، بخشش و فداکاری در راه آزادی وطن عربی سخن به میان آورده است و بر اصول و ارزش‌هایی تأکید می‌ورزد که علی‌رغم از بین رفتن صاحبانشان، همچنان زنده و پابرجا هستند و بایسته است که آن‌ها را در زندگی معاصر بکار گیریم.

یکی دیگر از دلایل استفاده فراوان از ضمیر مخاطب در رثائیات جواهری، الگوسازی است گویی امام را در مقابل خود قرار داده است و پیوسته با وی سخن می‌گوید تا بتواند امام و رهبری او را حس کند. حضور محسوس و برجسته امام در مقابل شاعر می‌تواند خط سیر زندگی شاعر را جهت بدهد کما اینکه بعد از ضمیر مخاطب، به سوی ضمیر متکلم می‌رود؛ گویی جواهری از امام وام می‌گیرد، زنده می‌شود و مأموریت پیامبر «إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَعَلَّمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ يُحْشِرُونَ» (الانفال/۲۴) (۷) که همان احیاء است را از امام حسین (ع) می‌گیرد آنگاه بعد از گردش خاطرات، صدای او را در گوش خود احساس می‌کند. شاهد این مدعا در تحلیل ما بیت زیر از جواهری است که می‌گوید:

تَمَثَّلْتُ يَوْمَكَ فِي خَاطِرِي      وَرَدَّدْتُ صَوْتَكَ فِي مَسْمَعِي  
أَرِيدُ الْحَقِيقَةَ فِي ذَاتِهَا      بغيرِ الطَّبِيعَةِ لَمْ تُطْبِعْ  
وَجَدْتُكَ فِي صُورَةٍ لَمْ أَرَعْ      بِأَعْظَمَ مِنْهَا وَلَا أَرْوَعِ (۸)

(الجواهری، ۱۹۸۲: ۲/ ۲۶۶)

جواهری به دنبال اصل حقیقت است و با این مخاطب حقیقت را تصور می‌کند. در حقیقت می‌توان گفت قصیده جواهری یک مدرسه است و شاعر، شاگرد آن است که پای درس امام حسین (ع) نشسته است. جواهری در بیت:

شَمَمْتُ تَرَائِكَ فَهَبِ النَّسِيمِ      نَسِيمِ الْكِرَامَةِ مِنْ بَلْقَعِ

با بوییدن نسیم کرامت امام حسین (ع) به خود می‌آید؛ بنابراین، استفاده از ضمیر متکلم «من» و به خود آمدن جواهری برابر است با بوییدن تربت کربلا. گویی شاعر قبل از این و همان‌طور که از بافت کلی قصیده هم برمی‌آید، مردد و سرگردان بوده است. نکته دیگر، جنبه ادبی این بیت است که خواننده را جذب خود می‌کند و به خوانش متن برمی‌انگیزد؛ بیت به زمینه ادبی و قلمرو خیال تعلق دارد؛ چراکه عبارت «نسیم کرامت وزیدن گرفت»، دنیایی شگرف را در نظر خواننده مجسم می‌کند، در این فضا، کرامت و بزرگی امام حسین به نسیمی تشبیه شده که همه‌جا را در بر گرفته است. جواهری در ادامه قصیده، در مقام جوینده حق و ایمان واقعی، برای خود در مقابل امام وجودی قائل شده است و با استفاده فراوان از ضمیر متکلم، فاعلیت خود را به نوعی اثبات می‌کند:

شَمَمْتُ نَرَاكَ فَهَبَّ النَّسِيمُ	نَسِيمُ الْكَرَامَةِ مِنْ بَلْفَعِ
وَعَفَرْتُ خَدِّي بِحَيْثُ اسْتَرَا	حَ خَدُّ تَفَرَّى و لَمْ يَضْرَعِ
وَحِلْتُ وَقَدْ طَارَتِ الذُّكْرِيَاتُ	بِرُوحِي إِلَى عَالَمٍ أَرْفَعِ
وَطُفْتُ بِقَبْرِكَ طَوْفَ الْخِيَالِ	بِصَوْمَعَةِ الْمُلهِمِ الْمُبْدِعِ
فِيَابِنِ الْبَتُولِ وَحَسْبِي بِهَا	ضَمَانًا عَلَى كُلِّ مَا أَدْعِي
تَمَثَّلْتُ يَوْمَكَ فِي خَاطِرِي	وَرَدَّدْتُ صَوْتَكَ فِي مَسْمَعِي
وَمَحَصْتُ أَمْرَكَ لَمْ أَرْتَهَبِ	بِنَقْلِ الرُّوَاهِ و لَمْ أَخْدَعِ
وَلَمَّا أَرَحْتُ طِلَاءَ الْقُرُونِ	وَسِتْرَ الْخِدَاعِ عَنِ الْمَخْدَعِ
أَرِيدُ الْحَقِيقَةَ فِي ذَاتِهَا	بِغَيْرِ الطَّبِيعَةِ لَمْ تُطْعِعِ
وَجَدْتُكَ فِي صُورَةٍ لَمْ أَرَعِ	بِأَعْظَمِ مِنْهَا وَلَا أَرُوعِ
وَقَدَسْتُ ذِكْرَكَ لَمْ أَنْتَحِلْ	ثِيَابَ التُّقَاهِ و لَمْ أَدْعِ
تَفَحَّمْتُ صَدْرِي وَرَيْبُ الشُّكُوكِ	يَضْحُجُّ بِجُدْرَانِهِ الْأَرْبَعِ
وَجَازَ بِي الشُّكُّ فِيمَا مَعَ الْـ	جَدُودِ إِلَى الشُّكِّ فِيمَا مَعِي
إِلَى أَنْ أَقَمْتُ عَلَيْهِ الدَّلِيلَ	مِنْ مَبْدَأِ بِلَدَمٍ مُشْتَعِ
فَنَوَّرْتَ مَا أَظْلَمَ مِنْ فِكْرَتِي	وَقَوَّمتَ مَا عَوَجَّ مِنْ أَضْلَعِي (۹)

(همان: ۲/ ۲۶۶ تا ۲۶۸)

تکرار ضمیر متکلم وحده (من) در متن بالای، حضور شاعر را در متن برجسته و پررنگ‌تر کرده است. نکته جالب توجه اینکه در ابیات چهارم، پنجم، ششم و هفتم، شاعر ضمیر «کاف» را که به امام حسین برمی‌گردد، میان دو ضمیر متکلم «من» قرار داده و گویی در پی بیان این مطلب است که امام حسین در دل و جان وی قرار دارد.

## ۵- پی‌نوشت‌ها

۱- و بسا تشنه‌ای که آب طلب می‌کرد ولی آب را از او منع کردند و [به‌جای آن] با لبه‌های تیز شمشیرها، سیرابش نمودند // با نیزه‌ها، تلخ‌ترین آبشخورها را برای وی فراهم کردند درحالی که آبشخورهای گوارا و زلال را بر خود روا

داشتند // بر زمین افتاد و شهید شد و هیچ دستی او را زیر رو نکرد جز سم اسبان یال کوتاه و بلند گام // درحالی که امام تشنه بود و به جای حباب‌های آب سرد، نیزه تیز و برنده، تشنگی او را فرونشاند // تپه‌ها با سایه خود بر امام حسین دل می‌سوزاند و دامن باد، او را از نگاه چشم‌ها می‌پوشاند // حیوانات وحشی از نزدیک شدن به قتلگاه امام که به مدت سه شبانه‌روز قبر نشده بود، می‌ترسند // نیزه‌ها او را بوسیدند و مرگ‌ها برای [گرفتن جان] وی با هم به رقابت پرداختند و تیرها با او هم آغوش شدند // دشمنان بعد از اینکه می‌دانستند که امام پنجمین نفر آل عباس است، او را کشتند // او را با خون نیزه‌ها غسل دادند و فقط با خاک نرم آن سرزمین، وی را کفن پوشاندند. (۲) امویان، از خشم و غضب پیامبر ترسیدند و کشت (فرزندان) وی را بهانه‌ای برای درو کردن آن کرده‌اند // امویان بینش‌های دین را با گمراهی و مهلکه‌های گمراهی را با هدایت عوض کردند // امویان، رسول خدا را دشمن خود قرار داده‌اند. پس بد توشه‌ای برای روز قیامتشان اندوخته‌اند // اهل بیت پیامبر بر مرکب‌های خشن و سرکش سوار شدند و خون پیامبر بر فراز نیزه‌های تیز قرار گرفته است. (۳) گروهی را بر آن خانه‌ها نگه داشتم که دست بر جگرهای خود نهاده بودند // این، خانه‌ای است که نه اشتیاق من به آن کم می‌شود و نه اشکم من با ریزش بر آن می‌خشکد // دردی از اندوه به‌سوی من بازگشت و آن قدر در دلم ماند تا آنجا که به آن عادت کرد و همواره به‌سوی آن بازمی‌گشت // درحالی که غم و اندوه به من چشمی اشک‌آلود و ریزان بخشیده است، چه بسا زنی که به من می‌گوید // گفتم بعید است [آنچه می‌گویی]. گوش، سرزنشگر خود را از دست داده است [به حرف‌های سرزنشگر اهمیتی نمی‌دهد] و غم و اندوه فقط در روی عاشورا فهمیده می‌شود // آیا گمان می‌کنی که من صورت را حفظ می‌کنم درحالی که اسبان بر چهره مبارک آن حضرت تاخت و تاز کردند // آیا گمان می‌کنی که من از نوشیدن آب لذت می‌برم درحالی که تشنگی روح و قلب امام حسین سیراب نشده است // ای غریب سرزمین‌ها، صبر من غریب است و ای کشته دشت کربلا، خواب من کشته شده است // درگیری، شور و اشتیاق و آه و ناله‌هایی در درون من است که برای رسیدن به تو سرکشی می‌کنند // کاش من هم‌خوابه قبر تو بودم یا خاک قبر تو با اشک‌هایم خیس می‌شد. (۴) چشمان ما به خاطر گریه حضرت فاطمه بر اولادش، اشک‌هایش را از خانه و کاشانه اهل بیت باز داشت // روز کشته شدن نوه هاشم را به یاد آوردم و [فهمیدم] که جنگ ما با آل حرب (بنی‌امیه) یکسان نیست // [عباسیان] ما را مورد هدف قرار دادند (و به ما تهمت زدند) و آن گونه که انسان‌های تشنه از آب گوارا منع می‌شوند، ما را از ارث پدر و جد منع کردند // امویان به وسیله نیزه‌ها، جان‌هایی را تباه ساختند که تباه کردنشان حتی بر ستمگران بر ما [عباسیان] هم گران آمد // به خدا سوگند اگر یاری کنندگان از آنچه به ما رسیده است، غافل‌اند، خداوند از مصیبت ما هرگز غافل نیست // ای بسا انسان‌هایی پست‌تر از بنی‌امیه که دشنام‌ها را بسان سنگ‌های به‌سوی ما پرتاب می‌کردند // شمشیری برای آنان (عباسیان) ساختیم ولی خود ما با دستان و بازوان آن‌ها، مورد اصابت لبه تیز آن شمشیر قرار گرفته‌ایم // اگر مرگ بر پسر فاطمه زهرا دست یابد، چه بسیار که وی با چنگال‌های خونینی از جنگ برمی‌گشت (۵) تو را به صورتی یافتیم که بزرگ‌تر و باشکوه‌تر از آن هرگز ندیده‌ام. (۶) جانم فدای مرقد پاک و مطهرت که با در برگرفتن شخصی شجاع و

نورانی، روشن و منور گشت // مرقدی که بوی آن، خوشبوتر از بوی گلستان‌ها و پرایحه‌تر از مشک است // خداوند روز تو یعنی «روز عاشورا» را حفظ کند و سرزمین کربلا را که محل کشته شدن توست، سیراب نماید // خداوند همواره ما را با گرفتن جان‌ها در مسیر نورانی و آشکارت، اندوهگین سازد // خداوند مجد و عظمت تو را حفظ کند از اینکه به وسیله بدعت‌هایی خوار شوند که تو از آن‌ها ابا داشتی و دوری می‌کردی // ای کسی که در میان انسان‌های ماندگار و جاودان، یگانه و بی‌نظیری و تاکنون ماندی برای تو پیدا نشده است // ای مایه پند و اندرز انسان‌های بلندهمت و بزرگ برای کسانی که از فردای خود غافل‌اند و به زندگی این دنیا قانع و راضی هستند // تو برتر از آن هستی که در برابر مرگ‌ها هراس به خود راه دهی. مبارک باد قبر تو که خوب پناهگاهی است // مردم روزگار سجده‌کنان و رکوع‌کنان به قبر تو پناه می‌برند // خاک تو را بوییدم پس نسیم کرامت از سرزمینی خشک وزیدن گرفت. (۷) دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید هنگامی که شما را به سوی چیزی می‌خواند که شما را حیات می‌بخشد! و بدانید خداوند میان انسان و قلب او حایل می‌شود و همه شما (در قیامت) نزد او گردآوری می‌شوید. (۸) روز تو را در خاطر من مجسم کردم و صداقت را در گوشم تکرار // و حقیقت را آن‌گونه که بود و به‌دور از تصنعات پی‌گرفتم // (۹) گونه‌ام را به‌جایی مالیدم که گونه پاره‌پاره‌ای در آنجا آرام گرفت ولی هرگز خواری و ذلت را نپذیرفت // گمان کردم، درحالی که خاطرات روح مرا به عالم برتر برده بود // و من بسان طواف خیال به دور عبادتگاه خداوند الهام‌گر، به دور قبر تو طواف می‌کردم // ای فرزند زهرای بتول که برای ضمانت هر آنچه ادعا می‌کنم مرا کفایت کنی // حقیقت حادثه تو را خالص و پیراسته کردم بدون آنکه مرعوب یا فریفته نقل راویان شوم // زمانی که غبار زمانه و پرده‌های فریب را از مکان سرشار از حيله و نیرنگ [این دنیا] به کنار زدم // نام و یاد تو را مقدس شمردم و نه لباس انسان‌های پرهیزگار را بر تن نمودم و نه ادعای دروغینی داشته‌ام / به یک‌باره وارد سینه‌ام شدی، درحالی که شک تردید، در چهاردیواری سینه‌ام غوغا می‌کرد // شک و تردید درباره گذشتگان، مرا به شک و تردید درباره داشته‌های خود برد // تا اینکه بر آن شک، دلیلی استوار که از خون سیراب شده بود، اقامه کردم // منور کردی تاریکی‌های فکرم را و راست گردانیدی کجی استخوان‌هایم را.

## ۶- نتایج

بسامد بالای ضمیر متکلم و ضمیر غایبی که به امام حسین (ع) برمی‌گردد، در قیاس با ضمیر مخاطب، حضور مستقیم امام حسین را در حوزه ضمائر در رثائیات شریف رضی بسیار کم‌رنگ کرده است. نکته مهم در رثائیات شریف رضی کاربرد ضمیر متکلم به صورت جمع است. رضی از زبان جمع و گروه سخن می‌گوید و اشاره صریح به قوم ما و جماعت ما دارد؛ بنابراین با توجه به اینکه استفاده از ضمیر متکلم، غایب و مخاطب در رثائیات شریف رضی به ترتیب در جایگاه اول، دوم و سوم قرار دارد و اختلاف میان ضمیر متکلم و مخاطب در رثائیات وی معنادار است، صدای شاعر بر ظاهر متن مسلط شده و بیشتر صدای شاعر به گوش می‌رسد.

بسامد پایین ضمائر غایب و در مقابل بسامد بسیار بالای ضمائر مخاطب حضور امام حسین (ع) را در رثائیات جواهری به ویژه قصیده «عینیة» وی، چشمگیرتر و برجسته‌تر از رثائیات شریف رضی کرده است. ضمن اینکه اختلاف اندک میان ضمیر مخاطب و ضمیر متکلم، حاکی از گرایش شدید جواهری به امام حسین (ع) دارد گویی شاعر قصد متحد شدن با وی را دارد. بسامد بالا و نزدیک به هم ضمائر متکلم و مخاطب سبب شده است که متن رثایی جواهری از لحاظ صوری و معنایی منسجم‌تر و متحدتر از رثائیات شریف رضی باشد.



## فهرست منابع

- **قرآن کریم.**
- انوری، حسن؛ احمدی گیوی، حسن (1389) **دستور زبان فارسی ۲**، ویرایش دوم، تهران: فاطمی.
- بختیار نصرآبادی، حسین و نجفی، سید رضا سلیمانزاده، اصفهانی، محمد خاقانی تابستان ۱۳۹۷ ش)، «**تقابل حذف و ارجاع ضمیر به عنوان مؤلفه های انسجام متن بر اساس رویکرد متن پژوهی (مطالعه موردی داستان حضرت موسی در سوره ی طه)**»، فصلنامه علمی پژوهشی، پژوهش های ادبی قرآنی، سال ششم، شماره دوم، صص: ۷۸-۵۵.
- الجاحظ، أبو عثمان عمرو بن بحر (۱۹۳۸م) **الحيوان**، تحقیق عبدالسلام هارون، القاهرة: دون نا.
- الجواهری، محمد مهدی (۱۹۸۲ م) **الديوان**، الطبعة الثالثة، بيروت: دار العودة.
- الشریف الرضی، ابوالحسن (۱۹۹۹ م) **الديوان**، شرح محمود مصطفی حلاوی، الطبعة الأولى، بيروت: شركة دار الأرقم بن ابی الارقم.
- عباوی، نجیة (۲۰۰۸ م) **التحليل الصوتی و الدلالی للغة الخطاب فی شعر المدح: ابن سنحون الراشدي نموذجاً**، رسالة الماجستير، كلية الآداب و اللغات، جامعة حسیبة بن علی، الشلف.
- عبدالرحمن، ابراهیم محمد محمد (۲۰۰۴ م) **استدعاء شخصية الحسين بن علی فی الشعر العربي الحديث**، اطروحة لنيل درجة الدكتوراه، جامعة القاهرة، كلية دار العلوم.
- الغریسی، محمد (۲۰۱۴ م) **اللسانیات العربية والاضمار**، عالم الكتب الحديث، إربد: اردن.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹ ش) **تحليل انتقادی گفتمان**، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.
- مخاطریة، عمریة (۲۰۱۴ م) **النبیة اللغویة لمیمیة المتنبی «وا حرَّ قلباه»**، رسالة ماجستير، كلية الآداب واللغات، جامعة محمد حضر - بسكرة =.
- وحیدیان کامیار، تقی و غلامرضا عمرانی (۱۳۸۷ ش) **دستور زبان فارسی**، تهران: سمت، چاپ یازدهم.

# **The denotative function of pronouns in Hosseini Marathi (case study: Razi and Javaheri Marathi)**

**Abdol vahid Navidi**

(Corresponding Author) (Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran)(a.v.navidi@scu.ac.ir)

**Mohammad Hassannejad**

(doctorate student of Arabic language and literature, Shahid Chamran University of Ahvaz, lecturer at Farhangian University)

## **Abstract**

One of the most important artistic and creative features of the discourse of Hosseini Sharif Razi and Javaheri's mourning in the syntactic layer is the high frequency of pronouns. Although the variety of pronouns is less than other types of words such as nouns, verbs, adjectives and adverbs, but the noble treatment of them and jewelry can be a vehicle for creativity and poetic purposes. In the present article, the authors have studied the semantic and semantic functions of pronouns in the mourning of Hosseini of two poets using descriptive-analytical method and using statistical data. Some of the most important results of the article indicate that both poets, especially Javaheri, have taken advantage of this linguistic category creatively and poetically and have conveyed their desired meanings to the readers in the best possible way. Javaheri has used the pronoun as one of the important factors of textual coherence, semantic emphasis and suspension. Sharif Razi, by using the pronoun of the speaker, has placed himself in the category of Ahl al-Bayt and Bani Hashem.

**Keywords:** Pronouns, Semantic Function, Razi, Sharif Razi, Javaheri